

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان :

دیدگاه نظام حقوقی ایران نسبت به حقوق ذینفع ها در شرکت های سهامی

مؤلفان :

محمد امیری

حجت اله شهباز بیگی



سازمان نشر و ادبیات

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

: امیری، محمد، ۱۳۵۰ مرداد -
: دیدگاه نظام حقوقی ایران نسبت به حقوق ذینفع‌ها در شرکت‌های سهامی/مولفان محمد
امیری، حجت‌اله شهباز بیگی.

مشخصات نشر

: تهران: سنجش و دانش، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری

: ۱۴۳ ص.

شابک

: ۲۵۰۰۰۰ ریال ۰۰۵-۲۵۶۶-۰۶۷۸-۶۲۲

وضعیت فهرست نویسی

: فنی

یادداشت

: کتابنامه: ص. ۱۴۰-۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع

: سهام‌داران -- وضع حقوقی و قوانین -- ایران

موضوع

: Iran -- etc ,laws ,status Legal -- Stockholders

موضوع

: شرکت‌های سهامی -- ایران

موضوع

: Iran -- companies Stock

شناسه افزوده

: شهباز بیگی، محمداله، ۱۳۵۹ -

رده بندی کنگره

: ۱۰۵۰ KMH

رده بندی دیویی

: ۵۵۴۶۲/۳۴۶

شماره کتابشناسی ملی

: ۷۶۵ ۱۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیا

عنوان : دیدگاه نظام حقوقی ایران نسبت به حقوق ذینفع‌ها در شرکت‌های سهامی	 www.sanjesh.ir sanjeshodanesh@iran.ir
مؤلف : محمد امیری - حجت‌اله شهباز بیگی	
ناشر : سنجش و دانش	
نوبت چاپ : چاپ اول - ۱۴۰۰	
تیراژ : ۳۰ نسخه	
شابک : ۰۰-۲۵۶۶-۰۵-۶۲۲-۹۷۸	قیمت : ۲۵۰۰۰۰ ریال
نشانی : میدان انقلاب، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پلاک ۱۲۶، تلفن : ۰۲۱۶۱۲۶	
«گلبدون حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ می‌باشد»»	

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱۶	فصل اول: کلیات و مفاهیم شناسی
۱۶	۱-۱: ماهیت حقوقی شرکت سهامی
۱۷	۲-۲: تعریف دعوی مشتق
۱۹	۱-۲-۲: شخصیت حقوقی و استقلال شرکت
۱۹	۳-۲: ذینفع بودن
۲۰	۱-۲-۲: داشتن سمت یا نمایندگی
۲۱	۲-۳-۲: داشتن اهلیت قانونی
۲۱	۳-۳-۲: پیشینه ذینفع ها
۲۲	۴-۳-۲: مفهوم ذینفع ها
۲۳	۵-۳-۲: تعاریف مختلف ذینفع ها
۲۴	۴-۲: اقامه دعوی سهامداران به نام شرکت علیه ثالث
۲۵	۱-۴-۲: مفهوم حقوق - قانونی ذینفع
۲۵	۲-۴-۲: مفهوم ذینفع از نظر آیین دادرسی معنی
۲۶	۳-۴-۲: مفهوم ذینفع در حقوق تجارت
۲۷	۴-۴-۲: تقسیمات ذینفع ها
۲۸	۵-۴-۲: انواع ذینفع ها در شرکت ها
۲۸	۶-۴-۲: ذینفع ها درونی
۲۸	۷-۴-۲: سهامداران
۲۸	۸-۴-۲: ذینفع ها بیرونی
۲۹	۵-۲: تابعیت شرکت سهامی
۳۰	۶-۲: دارایی شرکت
۳۱	۱-۶-۲: جنبه تجارتي شرکت های سهامی
۳۱	۷-۲: تشکیل شرکت های سهامی
۳۴	۲-۶-۲: دعوت مجمع عمومی مؤسسان و تشکیل آن
۳۵	۳-۶-۲: تصویب اساسنامه شرکت
۳۶	۴-۶-۲: مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام
۳۷	۷-۶-۲: سهم با نام و سهم بی نام
۳۸	۷-۲: سهام عادی و سهام ممتاز

۳۹	۱-۷-۲: برگ قرضه
۴۰	۲-۷-۲: سازمان شرکت سهامی
۴۱	۳-۷-۲: حقوق و وظایف صاحب سهم
۴۲	۴-۷-۲: حق مشارکت در شرکت
۴۳	۸-۲: مجامع عمومی شرکت های سهامی
۴۶	۱-۸-۲: اداره شرکت های سهامی
۴۷	۲-۸-۲: مسئولیت مدیران شرکت
۵۰	۳-۸-۲: دعاوی راجع به مسئولیت مدیران
۵۲	۴-۸-۲: نظارت در شرکت های سهامی (بازرسی حساب)
۵۳	۵-۸-۲: تبدیل سهام موسس سهام انتفاعی یا برگ های قرضه یا وام ها به سهام
۵۴	۶-۸-۲: گهی تصمیم مجمع عمومی فوق العاده در باره افزایش سهام
۵۴	۹-۲: تغییر نوع شرکت و اختلاط شرکت های سهامی
۵۵	۱-۹-۲: بطلان شرکت
۵۶	۲-۹-۲: انحلال شرکت سهامی
۵۸	۳-۹-۲: تعریف و اصول شرکت با مسئولیت محدود
۶۳	۴-۹-۲: تشکیل شرکت با مسئولیت محدود
۶۴	۱۰-۲: حقوق وظایف شرکاء شرکت با مسئولیت محدود
۶۵	۱-۱۰-۲: مجامع عمومی در شرکت های با مسئولیت محدود
۶۶	۲-۱۰-۲: اداره شرکت با مسئولیت محدود
۶۷	۳-۱۰-۲: تشکیل شرکت مختلط غیر سهامی
۶۹	۴-۱۰-۲: شرکاء شرکت مختلط غیر سهامی
۷۱	۱-۱۱-۲: شرکت مختلط سهامی
۷۲	۱-۱۱-۲: تشکیل شرکت مختلط سهامی
۷۲	۲-۱۱-۲: رعایت بعضی از مقررات شرکت های تضامنی و شرکت های سهامی در شرکت مختلط سهامی
۷۴	فصل دوم: مبانی حقوق ذینفع ها در شرکت های سهامی
۷۴	۱-۲: ذینفع پیامدهای دعاوی سهامداران
۷۴	۱-۱-۲: ذینفع پیامدهای اقامه دعاوی حقوقی
۷۴	۲-۱-۲: اقامه دعوی به نام شرکت برای حقوق ذینفع ها
۷۵	۳-۱-۲: اقامه دعوی به نام سهامداران
۷۵	۴-۱-۲: ذینفع پیامد های اقامه دعوی کیفری
۷۶	۵-۱-۲: پیامد اقامه دعوی کیفری علیه شخص حقوقی
۷۹	۲-۲: استدلال ها و بنیان های حقوقی در زمینه حقوق ذینفع ها
۷۹	۳-۲: تئوری ذینفع ها با رویکرد مقررات شرکتهای سهامی ایران
۸۲	۴-۲: بنیان های اقتصادی برای حمایت از حقوق ذینفع ها در نظام حقوقی ایران
۸۴	۱-۴-۲: بنیان های اخلاقی برای حمایت از حقوق ذینفع ها در نظام حقوقی ایران
۸۴	۲-۴-۲: حق و مالکیت و حمایت از حقوق ذینفع ها در نظام حقوقی ایران
۸۷	۵-۲: بطلان ناشی از قواعد تجاری برای حقوق ذینفع ها

شرکت سهامی به عنوان کامل ترین نوع شرکت سرمایه ای شرکتی تجارتي است که در آن حقوق شرکاء که سهامدار نامیده می شوند، به وسیله اوراق قابل معامله (سهام) مشخص می شود و صاحبان سهام فقط تا میزان آورده خود مسئول تعهدات شرکت می باشند. ماده ۲۱ قانون تجارت شرکت سهامی را چنین تعریف می کند: «شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی آنها است». در شرکت سهامی شرکاء فقط صاحب سهام می باشند و سهام شرکت های بزرگ در بورس خرید و فروش می شود و صاحبان سهام دائماً تغییر می کند. به این جهت به این نوع شرکت ها، شرکت های بی نام می گویند؛ زیرا ممکن است شرکاء آن اغلب معلوم و معین نباشند. شرکت سهامی اصولاً شرکت تجارتي است. در بعضی از کشورها تشکیل شرکت به صورت سهامی به آن جنبه تجارتي می دهد. قانون تجارت ایران نیز تصریح دارد که شرکت سهامی برای امور تجارتي تشکیل می شود، بنابراین امروزه این موضوع مورد قبول کلیه علمای حقوق تجارت است که شرکت سهامی صرفنظر از موضوع آن شرکت تجارتي محسوب می شود ولی صاحبان سهام شرکت سهامی به هیچ وجه تاجر محسوب نمی شوند.^۱

حقوق شرکت های ایران صرفاً سهامدار را به رسمیت می شناسد؛ اما توجه به چگونگی، پیدایش شخصیت حقوقی، شرکت و ماهیت اجتماعی، آن نشان از آمیختگی، این ماهیت با ثالث دارد. این ثالثان، در حقوق شرکت های نوین ذینفع ها نام گرفته اند که به اشخاص تأثیرگذار بر شرکت یا تأثیرپذیر از من اطلاق می گردد. در یک شرکت اصولاً خود سهامداران، کارکنان، مشتریان و تأمین کنندگان مال، به عنوان گروه های ثابت ذینفع ها به حساب می آیند و شمول برخی گروه ها نیز بستگی به موضوع فعالیت شرکت دارد. در حال حاضر، تعایل بسیاری نسبت به شناسایی گسترده ذینفع ها وجود دارد، هرچند برای نظام های حقوقی، همچون ایران (که به تازگی به شناخت ذینفع ها روی آورده است) این شناسایی به صورت محدود خواهد بود. شناسایی ذینفع ها و ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست اما این که چرا باید از ذینفع در شرکت، با سرمایه شخصی حمایت کرد محل بررسی است. مبانی اقتصادی، اخلاقی و حقوقی بنیان های تئوری ذینفع ها را تشکیل می دهند. حل بحران نمایندگی جلوگیری از تعارض منافع و حداکثرسازی ارزش اقتصادی نهایی بنیادهای اقتصادی این تئوری می باشند. بنیان های حقوقی و اخلاقی آن نیز بیان می دارند که ذینفع ها دارای ارزش

^۱ - حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، جلد اول، نشر دادگستر، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۴، تهران

ذاتی هستند؛ لذا می بایست حقوق آنها رعایت شود و محدودیت های مالکیت برای مالکان و مدیران یک ماهیت اجتماعی یعنی شرکت، اعمال گردد.

در اثبات ذینفع گرابی حقوق شرکت ها می توان به گرایش قواعد و مقررات به حمایت از اشخاص ثالث استفاده نمود. یکی از مسایل اساسی مورد توجه حقوق شرکت های مدرن، تضمین حقوق اشخاص ثالثی است که با حسن نیت با شرکت طرف معامله واقع می شوند قاعده مهم قواعد عمومی برای حقوق شرکت های در حال گذارا که بیشتر متمرکز بر شرکت های تجاری با مسئولیت محدودی که سرمایه آنها به سهام تقسیم شده می باشد مقرر داشته است که: «اشخاص ثالث باید تضمین قوی داشته باشند که قراردادهای توأم با حسن نیت که با شرکت منعقد می کنند صحیح و نافذ خواهد بود بنابراین اقتصادهای درحال گذار باید قواعدی وضع نمایند که تضمین بالایی را برای اشخاص ثالث فراهم آورد که قراردادهایشان صحیح و بطور نافذ خواهد بود این موضوع در محیطی که مملو از بی ثباتی اقتصادی و حقوقی است اهمیت فراوانی پیدا می کند» (کاینان آویل افو همکاران، ۱۳۸۶).

از دیگر موارد ادله اثباتی که به عنوان گامی مؤثر در توسعه حقوق شرکت های ذینفع گرا بوده است، موضوع مسئولیت اجتماعی شرکت ها بوده است. مسئولیت اجتماعی شرکت ها یک جنبش نو ظهور در شرکت هاست که به دنبال یافتن یک راه حل مفید برای مواجه شدن با مسایل اجتماعی و محیطی شرکت های مدرن در جامعه امروزی است. موضوعی است که در ادبیات جدید تحقیقات بسیاری مورد توجه پژوهش گران و افراد آکادمیک است که این مطالبات می تواند به درک بهتر برنامه های اجتماعی و محیطی شرکت ها به عنوان محرک سودآوری و عملکرد مناسب در جامعه کمک کند.

مسئولیت اجتماعی شرکت ها یعنی مسئولیت شرکت در پاسخگویی به پیامدهای فعالیت هایی که جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد منظور از جامعه در اینجا کلی است و شامل همه ذینفع های شرکت است. شرکت باید در انجام فعالیت ها، اتخاذ تصمیمات خود منافع همه ذینفع ها را در نظر بگیرد و دغدغه ذینفع ها شرکت کسانی هستند که نتایج و پیامدهای تصمیمات و اعمال شرکت بر آنها تأثیر می گذارد و این ذینفع ها در موفقیت شرکت بطور مستقیم و غیرمستقیم نقش دارند. تعاریف متعددی از مسئولیت اجتماعی شرکت ها به عمل آمده است به عنوان نمونه کمیسیون جوامع اروپایی در ۲۰۰۳ مسئولیت اجتماعی شرکت ها را مفهومی تلقی نموده است که یک واحد تجاری برای

اثراتش برای همه ذینفع ها مربوط پاسخگو است (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۱) مسئولیت اجتماعی شرکت مقوله ای جهانی در راهبرد تجاری است.

یکی از راهکارها درخصوص مسئولیت اجتماعی شرکت ها وضع قوانینی است که مشارکت کارکنان را در تصمیم گیری شرکت به ترسیم شناخته است به عنوان نمونه در آلمان براساس قانون تصمیم گیری مشترک یا قانون همکاری بین مدیران و کارکنان آن می باشد که به موجب آن کارکنان شرکت در انتخاب هیأت مدیره از طریق عضویت در لایه نظارتی مدیریتی نقش ایفا می کنند. یکی از خصیصه های اصلی مدل حاکمیت شرکی آلمانی عبارت است از مشارکت کارکنان در مدیریت شرکت. (Kay, et al, ۱۹۹۰)

در آلمان مشارکت کارکنان و سهامداران دو مدیریت شرکت مورد پذیرش قرار گرفته است به عنوان یک قاعده در شرکت های بزرگ نصف اعضای هیأت مدیره توسط کارکنان و نصف دیگر آن توسط سهامداران انتخاب می گردند این مشارکت مهم کارکنان در مدیریت شرکت، خصیصه فرهنگی تجاری آلمان است که آن را از سایر نظام های حقوقی حاکمیت شرکی متمایز می سازد. (Savenger, ۲۰۰۵)

در ماده ۱۷۲ قانون شرکت های ۲۰۰۶ انگلستان نیز مدیران مکلف به رعایت منافع کارکنان شده اند.

یکی از طرفداران جدی تحول در نظام حقوق شرکت ها اولین اصلی پیشنهادی خود را در باب اصول جدید حاکم بر شرکت ها به این موضوع اختصاص می دهد که هدف نهایی شرکت ها باید خدمت به منافع جامعه به عنوان یک کل باشد وی جامعه را محل فعالیت شرکت را جزء دسته های ذینفع معرفی و بر این عقیده است که شرکت تجاری ابزاری است در خدمت منافع عامه در مفهوم اعم خود اگر شرکت نتواند در خدمت منافع عامه باشد شایسته ادامه فعالیت حداقل به روش اضراآمیز نمی باشد. (Green field, ۲۰۰۵) قبل از تصویب قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ عمده مقررات قانون مدنی ناظر به تنظیم روابط طرفین مشارکت بوده و روابط شرکاء با مدیران اموال مشاعی نیز مبتنی بر وکالت مدنی بوده و در قالب آن مورد تحلیل قرار می گرفت. اما با تصویب قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ و پیش بینی مقررات خاص در باب شرکت ها و به ویژه پیش بینی شخصیت حقوقی برای شرکت ها، فعالیت های اقتصادی و مشارکتی وارد مقوله جدیدی گردید، البته این موضوع با تصویب قانون اصلاح از قسمتی قانون تجارت ۱۳۴۷ کامل شد. درخصوص قلمرو مالکیت شرکتی در نظریه بیشتر محل مناقشه نظریه پردازان حقوق اقتصادی و حقوق شرکت ها بوده است که

یکی نظریه تفوق سهامداران بود دیگری نظریه ذینفع ها. درخصوص این که مقررات شرکت های سهامی ایران با کدام یک از این نظریه تنظیم شده است باید گفت این که مقررات بیشتر بر مبنای حمایت از سهامداران شرکت باشد تردیدی نیست و ظاهراً در مقررات ایران نیز مدیران باید در راستای تأمین منافع سهامداران عمل نمایند. و مدیران حافظ منافع جمعی شرکا، سهامداران می باشند. البته رابطه بین مدیران و سهامداران رابطه امانی نیست چون مدیر در برابر شرکت مسئول می باشد نه سهامداران. هرچند ماده ۵۱ منسوخ قانون تجارت ۱۳۱۱ مقرر می داشت: «مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد» اما این ماده ازسوی نظریه پردازان حقوق تجارت مورد انتقاد قرار گرفته است. زیرا:

اولاً مدیر شرکت حافظ منافع جمعی شرکا در قالب شخصیت حقوقی شرکت و نه در مقابل یک یک شرکاست. درغیر این صورت مدیر بایستی در برابر سهامداران دارای سرمایه بالاتر پذیرای مسئولیت بیشتری باشد تا نسبت به سهامداران اقلیت (پاسبان، ۱۳۹۱).

ثانیاً طبق بند ۳ ماده ۶۷۸ ق.ا و ماده ۹۵۴ همان قانون عقد وکالت با موت یا جنون هر یک از طرفین عقد منتفع می شود درحالیکه به فوت یا جنون هر یک از سهامداران و حتی تمام آنها مدیران شرکت سهامی معزول نمی شوند (عیسایی تفرشی، ۱۳۸۶).

ثالثاً هرچند مطابق ماده ۵۱ ق.ت مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد. این ماده اشاره به این نکته دارد که با او مانند امین رفتار خواهد شد و از این جهت در حکم وکیل است و از آن نباید نتیجه گرفت که مدیر شرکت، وکیل شرکاست. بویژه که آثار اعمال مدیر بطور مستقیم عاید شخص حقوقی می شود نه آنان (کاتوزیان، ۱۳۷۱)

در نتیجه مدیران یکی از ارکان شرکت تجاری و جزیی از بدنه شرکت تلقی می شوند، و مدیران اراده ی شخص حقوقی تلقی و مدیران تنها بنام شخص حقوقی و حافظ منافع شرکت است. ماده ۱۷ ل.ق.ا.ق. تنیز موید رکن بودن مدیران است (عیسایی تفرشی، ۱۳۸۶)

در تأیید آن می توان اضافه نمود که ماده ۱۲۵ ل.ق.ا.ق.ت مدیر عامل را در حدود اختیارات تفویضی توسط هیأت مدیره به او، نماینده شرکت محسوب دانسته است که این ماده نیز رکن بودن هیأت مدیره را تأیید می کند دارای اراده هیأت مدیره همان اراده شرکت تلقی می شود.